



جمهوری اسلامی ایران

مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

۲۶ و ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۳

عقلانیت و معنویت با نگاه روان شناختی

باقر غباری‌بناب، نفیسه حاجی‌حیدری

استاد دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، عضو اندیشکده معنویت مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، نویسنده مسئول،
bghobari@ut.ac.ir
دانش آموخته کارشناسی ارشد دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران،
n.hajiheydari@ut.ac.ir

چکیده

عقلانیت و معنویت سازه هایی هستند که در علوم و حوزه های تخصصی مختلف می توان از آن ها صحبت کرد. تاریخچه رشد و تحول این سازه ها نیز شاهد نوسانات مختلف در مکاتب مختلف روان شناسی، فلسفه، عرفان، تصوف، کلام و حدیث بوده است. در مثنوی معنوی که گروهی آن را تفسیر قرآن خوانند، مولوی عقلانیت فلسفی و محاسبه گر را محدود می داند. پیامبران معنویت را در اولویت قرار داده و آن را جزو لاینفک وجود انسان به شمار می آورند. عقلانیت نیز در راستای هدایت انسان تنظیم شده است. انبیاء و اولیاء عقلانیت را برای نجات انسان ضروری می دانستند منتهی معنویت چونان چتر گسترده ای است که عقلانیت را نیز دربرمی گیرد. عقلانیت برای تشخیص خیر از شر و گمراهی از رشد و هدایت تنظیم شده است.

بحث‌های معنویت و عقلانیت یکی از داغ‌ترین بحث‌ها در حوزه‌های فلسفی و عرفانی است و تفاوت معنویت و عقلانیت در کشف حقایق عالم روان انسان‌ها بوده است.تفکیک این سازه‌ها و تحدید هر کدامشان به حدود خود بستگی به تعریف و نظریه‌های گوناگون فلسفی دارد در این مختصر پژوهشگران حاضر قصد دارند از بعد روانی و روانشناختی به این موضوع بپردازند. بنابراین فقط برای وصل شدن به بحث همکاران در رشته‌های دیگر از جنبه‌های دیگر غیر از رویکرد روانشناختی به موضوع خواهند پرداخت .از نظر روانشناختی اعماق و اساس معنویت بر ناخودآگاه جمعی قرار گرفته است که منشا و سرچشمه خودآگاه می‌باشد .جالب اینکه اساس دانش، علم و عقلانیت نیز بر آن نهاده شده است .ابزارهایی که در معرفت شناختی معنویت مورد استفاده قرار می‌گیرد اشتراکاتی با روش‌ها و ابزارهای مورد استفاده برای شناخت عقلانیت دارد ولی تفاوت‌هایی هم در این دو وجود دارد .اگر عقلانیت را در راستای استفاده انسان‌ها از دانش موجود برای رسیدن به هدف مطلوب بدانیم مطلوبیت را لازم است که ببینیم از کجا می‌آید و در صورتی که معنویت را جستجوی امر قدسی و حرکت به سوی وجود متعالی بدانیم در هر نظام فکری و همیشه عقلانیت و معنویت در راستای همدیگر حرکت نخواهند کرد در مواردی هم جهت و در مواردی مستقل از هم خواهند بود .

مقدمه

عقلانیت و معنویت در طول قرون مختلف مورد بحث فلاسفه،علما، متکلمان و صوفیان بوده است .تعدادی رسیدن به اهداف انسانی و داشتن زندگی کم دردسر را پیروی از عقل می‌شمارند و عده‌ای از منابع مختلف شناخت صحبت می‌کردند که در عقلانیت مرسوم و مرقوم می باشد. البته نگاهی علمی و عقلایی به سازوکارهای روان خود نشان می‌دهد که عقل و عقلانیت در فضای محدود خود که دنبال مهار زدن به فعالیت‌های شناختی است که در آنها نقادی عقلانی، تمیز و تشخیص، استدلال و تجربه گرایی، تعریف حدود سازه‌ها و برهان و دلیل آوری می‌باشد از همه روش‌های شناخت پدیده‌ها از جمله "خیال" که در معنویت استفاده می‌شود دستش کوتاه است .وقتی از خیال صحبت می‌شود اصلاً اوهام نیست قوه خیال در انسان‌ها در شناخت بسیاری از پدیده‌ها و خلق آنها نقش بسزایی داشته است شعرا از قدرت معنوی خیال آگاهی دارندو می‌دانند که گستره پرواز خیال در کسب معارف کمتر از تیغ تیز آزمایشات علمی و تایید و یا رد فرضیه‌ها نبوده است. افزون بر این در معنویت شور و حال، وجد و نشاط، عشق وصال، اعتماد به هستی مطلق، تعهد و تسلیم و تقویض و احساس بیکرانی گزارش شده است که از عقلانیت و به کارگیری آن این گزارش‌ها داده نشده است.

قدما اروس را در مقابل لوگوس(عقلانیت) قرار می‌دادند به نظر می‌رسد که ترکیب بهینه اروس و لوگوس در معنویت مطرح است. شاید اندیشه کی‌یرگور (۱۳۹۷) در مورد قربانی کردن اسماعیل درست باشد که عشق و ایمان و گذشت و ایثار را در تصمیم گیری حضرت ابراهیم برای قربانی کردن فرزندش موثرتر از یک تصمیم عقلانی می‌داند این بدان معنا نیست که در معنویت تصمیمات عقلانی کنار گذاشته می‌شود ولی شاید بدان معنا اشاره کند که در معنویت انسان در اثر مواجهه با یک امر قدسی تسلیم می‌شود و یا در تصرف غیر متعارفی صورت ازلی (یک امر متعالی) قرار می‌گیرد. وقتی ساحران فرعون در مقابل معجزه موسی تحت تاثیر قرار می‌گیرند و مصلحت‌اندیشی را کنار می‌گذارند یک امر معنوی اتفاق افتاده است همچنان است تصمیم آخر حر بن یزید ریاحی در مواجهه با خودش و یا امر قدسی که مصلحت اندیشی معمولی را کنار می‌گذارد و حقیقتی را که یافته به بهای جان می‌خرد.

عقل مصدر سازگاری با محیط زندگی انسان‌هاست عقلانیت ایجاب می‌کند که ارگانسیم در اثر سازگاری با محیط خود لذت بیشتر برده و از درد و رنج بپرهیزد در صورتی که در تصمیم گیری‌های معنوی همیشه این اصل ساده رعایت نمی‌شود بلکه یک نوع سرسپردگی عاشقانه در آنها دیده می‌شود تا یک تفکر عاقلانه این سرسپردگی عاشقانه ناشی از بی‌خردی نیست بلکه از تصمیمی است که در ورای خرد گام برمی‌دارد و خرد را بر آن گذری نیست یا حداقل خردی که در عقلانیت تحلیلی به آن پرداخته می‌شود . آشکارتر عرض کنم معنویت از ناخودآگاه جمعی روان می‌تراود ناخودآگاه قانون خودش را دارد و چیزی می‌داند که خودآگاه را به آن دسترسی نیست. بخشی از این بحث‌ها را به طور عمیق در تفسیر روانی سوره کهف در داستان حضرت موسی علیه السلام با حضرت خضر علیه السلام می‌توان ملاحظه نمود (یونگ،۱۹۵۳ ؛ غباری بناب، ۱۳۸۷) . باید اذعان کرد که هم دین و معنویت ریشه‌دار مولفه اصلی اش باور داشتن به وجود متعال است و قدم برداشتن در راستای قوانین متعال و خود را نزدیک به وجود متعال نمودن و معنای زندگی او نیز به پیوند با وجود متعال گره خورده است. اعتماد و اعتقاد به این ذات متعال است که معنویت نامیده می‌شود البته در متن مقدمه در نخست توضیح مسئله از باب روانشناسی اشراق خواهیم گفت که فقط از دیدگاه روانشناسی اشراقی وجود از جمله وجود روان انسان نور فرض می‌شود. راه نور راه حق است. حتی سهوردی در تعریف نور بازم می‌ماند و آن را روشن‌ترین مفاهیم و بدیهیات می‌نامد چون عقلانیت و عقل در رکاب نور به عجز و تهدید و ترسیم خود اقرار می‌کند (ر.ک). بخش آخر مقاله در مورد روان شناسی اشراق).

از آنجا که پژوهشگران حاضر از دیدگاه روانشناسی به موضوع نگریسته‌اند لازم ندیده‌اند که آرای فلاسفه و عقلا را در باب معنویت و عقلانیت در طول تاریخ از ارسطو از یونان باستان از فلسفه مشایی تاکنون پیگیری کنند لذا سنگینی بحث بر دوش روانشناسی اعماق افتاده است و از بین روانشناسان اعماق با توجه به ضیق و محدودیت فضای نگارش به دیدگاه یونگ به طور اختصار پرداخته شده است به علت اینکه نویسنده اول مقاله به روانشناسی اشراق علاقه دارد و به تدوین پایه‌های نظری آن می‌کوشد لذا به آن نیز گریزی زده است.

روش تحقیق

مطالعه حاضر به بررسی تحلیلی متون مرتبط با عقلانیت و معنویت پرداخته است . رابطه عقلانیت و معنویت با توجه به بررسی تحلیلی و انتقادی مفاهیم و سازه ها مورد بررسی و نتیجه گیری قرار گرفته است . تعاریف معنویت و عقلانیت و ارتباط بین آنها از نظر جامعیت و منحصر بودن و همچنین از دیدگاه روانشناسی (یونگ) و عرفانی (مولوی) مورد بحث قرار گرفته است . این بررسی ها مورد نقادی قرار گرفته و نویسندگان بررسی پیش نهادی خود را در آخر مقاله از دیدگاه روانشناسی اشراق ارائه نموده اند . تعریف رابطه عقلانیت و معنویت با توجه به هستی شناختی اشراق فلسفی و جامعیت تعریف روانشناختی اشراق یک دیدگاه جدید را به بیان می کشد که نویسندگان مقاله برای تحقیقات بیشتر آن را به جامعه علمی ارائه می نماید .

سز و همین کفن سراسر ان الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

۲۸

چالش باور اہکارهای تحول کشور بر اساس سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

نتایج و بحث

بحث عقلانیت و معنویت یکی از قدیمی ترین بحث های بین فلاسفه و اهل تصوف و عرفان بوده است. پس از اسلام با استفاده از آیات قرآنی و تفسیر ابن عباس از آیات قرآن در مورد آیات مربوط به عقلانیت و معنویت که از بهترین تفاسیر به حساب می آید این بحث جان تازه ای گرفت. معراج حضرت نبی اکرم (ص) که توسط صحابه در زمان خود حضرت نبی انگیزه فزونی بر افرادی خالص و متقی شد که این بحث را در خودسازی خیلی جدی بگیرند. ادامه تفسیر معراج نبوی در شکل دادن به نظرات عرفای اولیه از قبیل ذوالنون مصری، بایزید بسطامی، ابوسعید ابوالخیر، عطار نیشابوری و ... بسیار موثر بوده است. الگوی معراج یکی از بحث های داغ درمورد سفر روحانی و سیر و سلوک و عروج به طبقات معنویت بوده است. بحث های داغی که بین فیلسوفان عقل گرا و صوفیان اهل دل مطرح می شده است، گسترش خود را تا بحث های ملای رومی کشانده و ایشان بارها این دو نوع تعبیر و تفسیر از سیر و سلوک را در مثنوی خود بیان نموده است. مثلا در مقایسه رومیان و چینیان به صورت بسیار آشکار سمت صوفیان را گرفته و آنان را اهل دل نامیده است که درصدد زدودن زنگارهای گناه و معصیت از روان خود بوده و قلب خود را آیینه تمام نمای نور خداوندی می سازند و این صوفیان اند که دانش هر لحظه را از طرف دل خود دریافت می کنند. چونان که گوید:

دلا نزد کسی بشین که او از دل خبر دارد
به زیر آن درختی رو که او گل های تر دارد

آشکارا به گرفتن میوه های تر و تازه و دانش لحظه ای از سوی خدا دوستانش را دعوت می کند. افراد دیگری نیز بودند که به تدبیر و اندیشیدن بهای بیشتری می دادند که یکی از معروف ترین آن ها بوعلی سینا فیلسوف معروف ایرانی است. مشهور است که بین بوعلی و ابوسعید ابوالخیر بحثی در گرفت و هرکدام نماینده مکتب خود شدند که با دیگری به بحث بپردازند و ببینند که حقیقت از آن فیلسوفان است که با تعقل و اندیشه ورزی به حقیقت دست می یابند و یا از آن اهل تصوف و عرفان که با تقوا و پرهیزکاری و تمیز نگه داشتن دل در آیینه آن حقیقت را منعکس می کنند. پس از بحث طولانی وقتی بوسعید از جلسه خارج شد از نتیجه مباحث پرسیدند و چنین گفت: "من هر جا که با نور ایمان و تقوا و پرهیزکاری از درجات علم رسیدم دیدم که بوعلی نیز عسا زنان این راه را طی نموده است."

وقتی بوعلی از منزل خارج شد و طرفدارانش از طریقه درست برای دستیابی به حقیقت سوال کردند او نیز چنین فرمود: "به هرجایی که با عصای استدلال رسیدم تا به عمق دانش دست یابم، قبل از خود بوسعید را آن جا دیدم."

این تعریف و تمجید بوعلی و بوسعید از همدیگر شاید یکی از معتبرترین و مختصرترین نتیجه گیری ها باشد که علم تعقل محور و پرهیز و تذکرگرا در نهایت مورد قبول خدا و راه معتبر برای کشف حقیقت می باشند و شاید به قول یونگ برای افراد درون گرا راه کشف و درون نگری پاسخگو باشد و برای افراد برون گرا و اجتماعی روش تعقل محوری بهترین روش باشد. ولی با توجه به اندیشه ورزی و با عنایت به نظریه اشراقی سهوردی که نویسندگان حاضر در تفسیر معضلات روانی از مدل اشراقی سود جسته اند و به نوبه خود طرف درون گرایان و اشراقیون را گرفته و معتقدند که ترکیب این دو روش همانند ترکیب و همکاری نیمکره راست و چپ مغز، ضروری است ولی اگر قرار باشد که اولویتی به یکی داده شود بنا به دلایل زیر اولویت به معنویت داده می شود:

الف) گستره و وسعت ناخودآگاه و علم لدنی که از طریق معنویت و علوم نبوی می توان به آن دسترسی پیدا کرد.

ب) بنابر عقیده مدافعان روان شناسی اعماق که خودآگاهی از درون ناخودآگاه جمعی رویش نموده است و پیوسته دریای بی نهایت این ناخودآگاه جمعی به کوزه خودآگاه افراد ریزش می نماید. به قول رومی:

گر بریزی بحر را در کوزه ای
چند گنجد؟ قسمت یک روزه ای

ج) معنویت علاوه بر داشتن پایه های علمی که هنوز کشف نشده است ولی عملا عواطف و احساسات و کارکردهای زیستی و روانی ما را مدیریت می کند به علت نزدیک بودن به فطرت انسانی نسبت به اخلاقیات اصیل، منبع بهتری می باشد.

د) اندیشیدن بدون معنویت می تواند در جهت خودمحوری و منفعت طلبی شخصی به کار گرفته شود و فاجعه ایجاد کند و موجب استعمار، استحمار و استضعاف دیگران گردد. همان طور که سنایی گوید:

چو علم آموختی از حرص آنگه ترس
کاندر شب چو دزدی با چراغ آید گزیده تر برد کالا

با درنظر گرفتن این امور و با توجه به این که معنویت عقلانی سالم ترین نوع معنویت است و ما به نفع معنویت سالم از آن در مقابل تعقل صرف دفاع می نماییم.

پیشنهادها

با توجه به اینکه بسیاری از پژوهش ها و بررسی ها در حوزه عقلانیت و معنویت در فلسفه و عرفان صورت گرفته است ، در علوم انسانی از جمله روانشناسی ، جامعه شناسی ، مردم شناسی این موضوع کمتر مورد بررسی قرار گرفته است لذا پیشنهاد میشود که در حوزه روانشناسی و سایر علوم انسانی ارتباط بین معنویت و عقلانیت مورد بررسی قرار گیرد .

بحث های عقلانیت و معنویت با بحث های دینداری و عقلانیت به طور کلی مورد بحث قرار گرفته است . اولا لازم است تفاوت دینداری با معنویت گزایی مشخص شود و ارتباط عقلانیت با معنویت با ارتباط دینداری (بطورکلی) با معنویت مختلط نگردد . در ثانی انواع دینداری (مثلا دینداری درون سو و دینداری برون سو ، دینداری مصلحت اندیش ، دینداری معرفت اندیش ، دینداری تجربت اندیش و ...) هر کدام می توانند رابطه متفاوتی با عقلانیت داشته باشند، پیشنهاد می شود که انواع معنویت مثلا معنویت اسلامی در مقابل معنویت های مسیحی و یهودی و ادیان دیگر و معنویت های سکولار و ارتباطشان باعقلانیت مورد بررسی جداگانه قرار گیرد .

در حوزه روانشناسی مطالعات کیفی و کمی در این زمینه ضروری است تا بر پایه پژوهش های تجربی در مورد ارتباط بین عقلانیت و معنویت و پیامد های هر کدام قضاوت نمود .

بیشتر مباحث در این زمینه بصورت تحلیلی و نقل عقلی صورت گرفته است .زمینه های انتزاعی مسئله مورد بررسی قرار گرفته است لازم است به بحث های عملی و کاربردی و پژوهش محور در این زمینه ها پرداخته شود .

منابع

قرآن کریم، ترجمه حسین انصاریان، قم، نشر آیین دانش.

جیمز، ویلیام (۱۹۰۱). تنوع تجربه دینی. ترجمه حسین کیانی. انتشارات حکمت.

سنایی، ابوالمجد محدود این آدم (۱۳۴۱). دیوان حکیم ابوالمجد محدود این آدم سنایی غزنوی. تهران، کتابخانه ابن سینا.

غباری بناب، باقر (۱۳۸۷). برداشت روان شناختی از سوره مبارکه کهف و کاربرد آن در مشاوره. فصلنامه سلامت روان. ۱، ۶-۱۴.

کیرکگور، س (۱۳۹۷). ترس و لرز (ترجمه عبدالکریم رشیدیان)، تهران نشر نی.

ملکیان، مصطفی (۱۳۸۹). "در جست و جوی عقلانیت و معنویت". در: مهرنامه، ش ۳(مثن تنقیح شده سخنرانی عقلانیت و معنویت پس از ده سال در تالار شیخ انصاری دانشگاه تهران (۱۳۸۹/۲/۲۸).

ملکیان، مصطفی (۱۳۸۵). "سازگاری معنویت و مدرنیته"، در روزنامه شرق، (۱۳۸۵/۵/۲۵).

ملکیان، مصطفی (۱۳۹۰). راهی به رهایی، تهران: نشر نگاه معاصر.

مولانا جلال الدین محمد بلخی (۱۳۸۷). کتاب مثنوی معنوی: براساس نسخه رینولد نیکلسون. انتشارات ذهن آویز.

یونگ، کارل گوستاو (۱۹۵۸). خود ناشناخته. ترجمه مهدی قائنی (۱۴۰۲). نشر جامی(مصدق).